

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمورشاه تیموری

مخمس بر غزل حافظ

ساقی من که همان دلبر مهوش باشد
چشم بد دور که خوش مشرب و دلکش باشد

صافی و درد ازو بهر همه خوش باشد
نقد صوفی نه همه صافی و بیغش باشد

ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد
باده خوران که به حکم ازلی هست شدی

نه چو شیخی که به دیوان و دد همدست شدی
بهر آرامی جان سر بکف دست شدی

شامگاهش نگران باش که سرخوش باشد
صوفی ما که ز ورد سحری مست شدی

شش جهت عاشق رنجیده بیاید به میان
سخن عاشق بیچاره شود ورد زبان

نشود راز دل سوختگان زود عیان
خوش بود تا محک تجربه آید بمیان

تا سیه روی شود هر که در او غش باشد
میکشم رنج و تعب تا ببرم راه بدوست

خوش بود لذت دیدار که دیدار نکوست
اینهمه محنت و غم، ناله سازنده ازوست

عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد
نواز پرورد تنعم نبرد راه به دوست

تا توانی به جهان ساغر و پیمانہ بخور
لب به لب باده بخور با لب جانانه بخور

ساغری چند بحکم دل دیوانه بخور
غم دنیای دنی چند خوری باده بخور

حیف باشد دل دانس که مشوش باشد

تیموری دست ز آئین خرد دار و خروش آن خروشی که بیابی تو از آن باده نوش

جسم و جان جز به می ناب نباید بفروش دلق و سجاده حافظ ببرد باده فروش

گر شراب از کف آن ساقی مهوش باشد

(المان - ۲۰ اپریل ۲۰۱۲)